

چرخه زیست نظام ارتباطات با رویکردهای مدل ذهنی بر اساس نظریه‌های معنا

● عصمت مؤمنی^۱

چکیده

پژوهش پیش رو تلاش دارد چرخه زیست نظام ارتباطات را با رویکردهای مدل‌های ذهنی بر اساس نظریه‌های معنا ارائه کند. روش پژوهش از نوع هدف بنیادی و به روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه قیاسی است. گردآوری اطلاعات از طریق مرور پژوهش‌ها و تحلیل ادبیات مرتبط بوده و نیز یکپارچه‌سازی پژوهش‌های انجام شده مبنای ارائه یافته‌ها و تبیین نتایج است. جامعه پژوهش شامل مفاهیم اولیه از مطالعه متون بر اساس ماتریس ساخت نیافته است. در فرایند پژوهش، با مطالعه مفاهیم اولیه در ۶ مرحله، نسبت به اضافه کردن مفاهیم جدید اقدام شده است. روایی و پایایی پژوهش بر قابلیت اعتماد و اطمینان به متون مورد پژوهش مبتنی است. واکاوی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد ارزش‌یابی نظام ارتباطات با رویکرد عینی و ذهنی در حل مسائل چهارگانه ارتباطات موجب شکل‌گیری اشکال ارتباطات در فرایند عناصر ارتباطات شده است و از طرفی ۸ نظریه معنا با رویکردهای مدل‌های ذهنی - که می‌توانند بخشی از تفکر، تجربه، فرض‌های ذهنی، محسوسات و سازوکار پردازش اطلاعات باشند - چرخه زیست نظام ارتباطات را با دخالت افراد و متخصصان ایجاد می‌کنند. چرخه زیست نظام ارتباطات با تأکید بر «وجود معنا در ذهن نه در پیام» در ذهن ارتباط‌گرو ارتباط‌گیر موجب حیات و پویایی خواهد شد. پیشنهاد می‌شود چرخه زیست نظام ارتباطات با تبیین فلسفی نظریه‌های معنا بر اساس بازنمود شناختی ذهن مورد بررسی قرار گیرد و به نظر می‌رسد به تحلیل گفتمان و شبکه ارتباطی جدیدی منجر شود.

واژگان کلیدی

ارزش‌یابی نظام، نظام ارتباطات، مدل‌های ذهنی، عناصر ارتباطات، نظریه‌های معنا.

مقدمه

فرومیلینگ، گریس و اسکینر^۱ (۲۰۱۰)، ۵۰ سال پس از انتشار سخن دیوید برلو^۲ دربارهٔ عدم وجود معنی در پیام، بر این باورند که یکی از ویژگی‌های کلیدی معنی آن است که در کلمه نیست؛ بلکه در مردم است؛ این مردم هستند که معنی را به کلمات و نمادها نسبت می‌دهند. منشأ معنی هر فردی ارتباط و شناخت‌های گذشتهٔ اوست. به باور ترن هولم^۳ (۲۰۱۷)، هریک از ما واقعیت‌های خودمان را، به علت تفاوت تجارب گوناگونی که بیشتر آن‌ها از طریق ارتباط اندوخته شده‌اند، دنیا را آن‌گونه می‌بینیم که تجارب ما آن را شکل داده است. ضمن آنکه، هرگز نمی‌توانیم کاملاً مطمئن باشیم که دیگران دنیا را مثل ما می‌بینند (نقل از محسنیان‌راد، ۱۳۹۴: ۶).

اسپایسر^۴ (۱۹۹۸) به نقل از جانسون لیرد^۵ مدل ذهنی را مدلی با مقیاس کوچک از واقعیت می‌داند که می‌تواند به شناخت از درک افراد دربارهٔ موضوعی یاری رساند. بر اهمیت این مدل‌ها در دست‌یابی به دانشی که در ذهن افراد ذخیره شده است تأکید می‌کند (نقل از رجبعلی بگلو، فتاحی و پریخ، ۱۳۹۴: ۲-۴). تسوکس^۶ (۲۰۱۷) و ویکو و هوفف^۷ (۱۹۹۰) معتقدند، در واقع، شناخت مدل‌های ذهنی راهنمای پایه‌ای به پژوهشگران ارائه می‌دهد که می‌توان از طریق آن افراد، معنای زندگی و تفکری تصمیمات و کنش‌های فردی را که آنان به زندگی خود داده‌اند شناخت. نظریهٔ مدل‌های ذهنی می‌تواند پیوند گم‌شده بین پیچیدگی و عدم اطمینان در سیستم‌های تصمیم‌گیری را روشن کند (حق شناس گرگابی، حیدری و شاه‌حسینی، ۱۳۹۶: ۱۱۶-۱۱۹).

از طرفی، ارتباط فرایندی است که عناصری از جمله فرستنده (منبع)، گیرنده (مخاطب)، پیام (محتوا) دارد. پیام بدون رمزگذاری و تبدیل شدن به علائم، نشانه‌ها و نمادها قابل انتقال نیست. این نشانه‌ها ممکن است شفاهی، نوشتاری یا حرکتی باشند. برلو معتقد است که پیام قابل انتقال است و معنی قابل انتقال نیست؛ بلکه معنی در افراد است (حسینی، ۱۳۹۴: ۵). ارتباط ممکن است گاه از جنس کنش باشد که حاصل آن جریان است. گاه ممکن است به صورت فراگرد باشد و گاه تراکنش است. ارتباط در حالت فراگرد و بیش از آن در حالت

1. Froemling, Grice & Skinner

2. Berlo

3. Trenholm

4. Spicer

5. Johnson-Laird

6. Tsoukas

7. Weick & Huff

تراکنش، اگرچه آغاز و پایان ندارد، اما تجلی آغازین معنی در ارتباط‌گر هم می‌تواند ناشی از تفوق عینیت بر ذهنیت و هم ذهنیت بر عینیت باشد و هر چقدر ارتباط‌گرایش بیشتری به تبدیل شدن به تراکنش داشته باشد، احتمال رسیدن به تشابه معنی میان طرفین ارتباط بیشتر خواهد بود (محسنیان راد، ۱۳۹۴: ۳۶).

اوبراین و ماراکاس^۱ (۲۰۰۷) معتقدند نظام مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته و متعادل است که با هم کل واحدی را تشکیل می‌دهند و هدف مشترکی دارند. هر نظامی با پنج عنصر درون داد، برون داد، تبدیل، سازوکار بازخورد، و کنترل در پی تحقق هدف یا اهدافی است و حرکت نظام به گونه‌ای است که درون داد به برون داد تبدیل می‌شود. بازخورد داده‌هایی درباره عملکرد نظام است و کنترل شامل نظارت و ارزش‌یابی بازخوردهاست (تقوی، رحیمیان و مهدیون، ۱۳۸۹: ۱۱۵). مرحله‌ای که در چرخه زیست نظام‌ها باید طی شوند عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی، تجزیه و تحلیل، تعیین چارچوب مفهومی و طراحی کلی نظام، ارزیابی و انتخاب، تعیین چارچوب وظیفه‌ای یا طراحی تفصیلی، اجرا کردن نظام. مراحل چهارگانه آغازین چرخه زیست نظام‌ها با دخالت کاربران انجام می‌شود و مراحل طراحی تفصیلی و اجرای نظام بر عهده متخصصان است. هرچه دخالت کاربران در مراحل آغازین بیشتر باشد، به‌کارگیری نظام و حفظ و نگهداری آن ساده‌تر می‌شود (زاهدی، ۱۳۷۲).

پیام در فرایند عناصر ارتباطات بین ارتباط‌گر و ارتباط‌گیر به صورت جریان، فراگرد و تراکنشی شکل می‌گیرد و موجب حل مسائل چهارگانه ارتباطات می‌شود. پیام در ذهن افراد معنا پیدا می‌کند و ذهن با توجه به رویکردهای ذهنی شامل بخشی از تفکر، تجربه، فرض‌های ذهنی، محسوسات و سازوکار پردازش اطلاعات، بازنمود شناختی ذهنی را می‌سازد. اگر مجموعه مذکور با اجزای نظام مورد ارزش‌یابی با رویکرد عینی و ذهنی و نیز در فرایند چرخه زیست نظام با دخالت افراد و متخصصان قرار گیرد، موجب پویایی و حیات نظام ارتباطات خواهد شد. حال این پرسش پیش می‌آید که با واکاوی پژوهش‌های پیشین و یکپارچه‌سازی یافته‌ها، چرخه زیست نظام ارتباطات با رویکردهای مدل‌های ذهنی بر اساس نظریه‌های معنا چگونه است. انتظار می‌رود، با یافته‌های به دست آمده، زمینه پژوهش‌های دیگر فراهم شود.

پیشینه پژوهش

واعظی (۱۳۸۸) معتقد است معنا در زبان و متن تأثیر دارد و مستبطن توصیه‌ها و راهبردهای تفسیری است. از طرفی، معرفت‌شناسی معنا سازوکار و عوامل دخیل در معرفت و فهم ما نسبت به معناست و بعد از هستی‌شناسی معنا قرار می‌گیرد. ساجدی

1. O'Brien & Marakas

(۱۳۹۰) بیان می‌دارد معنا همان صورت ذهنی است که گاه از طریق ادراکات حسی و رویارویی با امور خارجی تصویر می‌سازد و گاه از دریافت‌های حضوری تصویر می‌گیرد. به باور فیاضی، ملک‌زاده و پاشایی (۱۳۹۲)، معنا همانی است که مفهوم از آن حکایت می‌کند و مصداق بدان قید می‌زند؛ در واقع، به آن عینیت می‌بخشد و لفظ هم برای آن وضع می‌شود. معنا اصل است و مفهوم و مصداق در واقع فرع آن و معنا بر همه آن‌ها تقدم رتبه‌ای دارد. همدانی (۱۳۹۶) معتقد است وجود معنا به صورت ترکیبات پروتئینی در حوزه‌ای از مغز به نام هیپوکامپوس از منظر حکمت صدرایی نادرست است؛ زیرا، این رهیافت به معنا ماده‌انگارانه است که، گرچه ممکن است با حکمت مشائیان یونانی سازگار باشد، اما با رهیافت حکمت متعالیه، که معنا در حیث تجردی وجود انسان جای دارد نه بخش مادی از مغز، سازگاری ندارد.

اصغرزاده، قائمی و حسن‌آبادی (۱۳۹۲) معتقدند مدل‌های ذهنی به‌عنوان مجموعه‌ای از مفروضه‌های ارزش‌مندی موجود در فرایند تحلیل اطلاعات مداخله می‌کنند. رجبعلی بگلو و همکاران (۱۳۹۴) بیان می‌دارند مقایسه مدل‌های ذهنی افراد گوناگون و توجه به مهم‌ترین عوامل تأثیرگذاری همچون تجربه‌ها، آموزش، پیشینه شغلی و مانند این‌ها بر شکل‌گیری مدل‌های ذهنی افراد از اهمیت زیادی برخوردارند. حق‌شناس گرگابی و همکاران (۱۳۹۶) معتقدند نظریه مدل‌های ذهنی می‌تواند پیوند گم‌شده بین پیچیدگی و عدم اطمینان در سیستم‌های تصمیم‌گیری را روشن کند. به باور جریحی، نیلی، نوروزی و سعدی‌پور (۱۳۹۷)، مدل‌های ذهنی بازنمایی‌های ذهنی هستند که اشکال فیزیکی و مفهومی تجارب را ذخیره می‌کنند.

محسنیان راد (۱۳۹۴) بیان می‌کند ارتباط پدیده‌ای چهارمسئله‌ای است مشروط بر آنکه محتوای پیام تولیدی ارتباط‌گر نمایندگی معنی مورد نظر او را داشته باشد؛ مفهوم صید شده ارتباط‌گیر با محتوای پیام ارتباط‌گر مشابه باشد؛ معنی متجلی شده در او منبعث از مفهوم صید شده باشد؛ و معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر مشابه معنی مورد نظر ارتباط‌گر باشد. از نظر حسینی (۱۳۹۴)، مدل بازسازی کوچکی از پدیده‌ای بزرگ است که از لحاظ کارکرد با پدیده واقعی یکسان است و مدل‌سازی روشی است برای نشان دادن روابط بین پدیده‌ها. دهقانی، سلیمان‌پور و فرج‌پهلوی (۱۳۹۶) معتقدند ارتباطات پدیده‌ای است همیشه در زمان حاضر، و گیرنده و فرستنده و مجرای ارتباطی توأمان شکل‌دهنده این بستر ارتباطی و اطلاعاتی هستند.

به اعتقاد فتاحی (۱۳۸۲)، نظام اطلاعاتی مجموعه اجزای به هم پیوسته‌ای است که بر اساس برنامه و الگویی مشخص و یکپارچه به‌گزینش، فراهم‌آوری، ذخیره، سازمان‌دهی،

قابل دسترس کردن و اشاعه اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان خود می‌پردازد. نشاط (۱۳۸۴) بیان می‌دارد، با وجود برابرنهاده‌های گوناگون، کلمه اصلی در نگرش سیستمی واژه «تعادل» یا، به عبارتی، دستیابی به تعادل میان عناصر تشکیل دهنده ورودی‌ها و خروجی‌هاست و نظام معنا پویا و غیرخطی است. مقدسی (۱۳۸۶) سیستم را از سه دیدگاه وظیفه‌ای (کارکردی)، فرایندی (سازوکاری) و ساختاری (عنصری) تعریف کرده است. سیستم مجموعه منظمی از عناصر به هم وابسته است که برای رسیدن به اهدافی مشترک با هم در تعامل هستند. تقوی و همکاران (۱۳۸۹) معتقدند مدل چشم‌انداز جامعی ارائه می‌دهد که زمینه، محتوا و فرایند را با چرایی، چگونگی، زمان و دیدگاه‌های ذی‌نفعان ترکیب می‌کند و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر ارزش‌یابی نظام را انعکاس می‌دهد. فریدمن و ویت^۱ (۲۰۰۵) رویکرد ارزش‌یابی نظام را به دو گونه عینی و ذهنی تفسیر کرده‌اند.

پژوهش پیش‌رو، با تأکید بر وجود معنا در ذهن مردم، در صدد تبیین مطالب ذیل است: معنا با رویکردهای مدل‌های ذهنی (شامل تفکر، فرض‌های ذهنی، تجارب و محسوسات و نیز سازوکار پردازشی اطلاعات در فرایند عناصر ارتباطات) به صورت اشکال ارتباطات در جهت حل مسائل ارتباطات به مجموعه‌ای منظم با تأکید بر هدف خاص درآمده و سپس نظام مذکور با دو رویکرد عینی و ذهنی ارزش‌یابی می‌شود. برای حیات و استمرار نظام ارتباطات به برنامه‌ریزی، تجزیه و تحلیل، تعیین چارچوب مفهومی و طراحی کلی نظام، ارزیابی و انتخاب و نیز به چارچوب وظیفه‌ای یا طراحی تفضیلی، اجرای نظام نیاز است. توصیف چرخه زیست نظام ارتباطات با استفاده از رویکردهای مدل‌های ذهنی بر اساس نظریه‌های معنا نقدهای وارد شده بر آن را بسط و گسترش می‌دهد.

مبانی نظری پژوهش

معنا و نظریه‌های معنا

«معنا» حقیقتی است با این قابلیت که مفهوم از آن حکایت می‌کند و آن را نشان می‌دهد. به دیگر سخن، معنا مابازای مفهوم و علم حصولی است (فیاضی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۸). کری فلوید^۲ (۲۰۱۱) سرچشمه معنی را انسان‌ها می‌داند. این معنی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ کلمه فقط نماد یا معرف ایده است؛ اما، خودش ایده یا معنی نیست. معنی کلمات از فرد یا گروهی که از آن استفاده می‌کنند سرچشمه می‌گیرد (محسنیان راد، ۱۳۹۴: ۶). سولسو^۳ بیان می‌دارد

1. Friedman & Wyatt

2. Floyd

3. Solsu

که در میان بسیاری معنی‌ها، روابطی برقرار است با درجاتی از شدت و ضعف. «چنان‌که در تعریف آن [معنی] گفته‌اند که محصول پیوند ایده‌ها بر اساس اصول مشابهت، مجاورت و تضاد در ذهن است» (۱۳۷۱: ۶۵۲).

نظریه‌های معنا عبارت‌اند از:

نظریهٔ مصداقی یا مرجعی معنا (روایت اول): معنا همان مصداق است. این نظریه از جهات متعددی با نقدهایی روبه‌روست، از جمله: عدم تفکیک معنا و مصداق؛ عدم امکان توجیه برخی نام‌ها؛ معقولات ثانیهٔ منطقی و فلسفی و مفاهیم عدمی مصداقی ندارند؛ و عدم امکان توجیه معنای حروف.

نظریهٔ مصداقی یا مرجعی معنا (روایت دوم): معنای یک عبارت، نه خود مصداق، بلکه رابطهٔ بین لفظ و مصداق آن است. این نظریه حقیقت و ماهیت رابطهٔ واژه با مصداق را روشن نکرده است و ابهام در مفهوم رابطه کل این نظریه را مبهم می‌کند.

نظریهٔ تصویری یا ایده‌ای معنا: کاربرد الفاظ باید نشانه‌های محسوس ایده‌ها باشد و ایده‌هایی که کلمات حاکی از آن‌ها هستند مدلول خاص و بی‌واسطهٔ کلمات‌اند. معنا حقیقتی است که درون انسان جای دارد. اگر در این نظریه بر ایدهٔ مستقل تأکید شود، حروف و قیود، که معنایی مستقل ندارند، این نظریه را با دشواری روبه‌رو می‌کنند.

نظریهٔ رفتاری معنا (تفسیر ساده): در تحلیل معنا به واکنش مخاطب یا شرایط تحریک‌کنندگی متکلم توجه می‌کند. این نظریه با دو مشکل روبه‌روست: شرایط و موقعیت‌های بیان یک کلام متعدد و گاه بی‌شمار است. این نظریه از تفسیر مفردات و همچنین بسیاری از جملات که در مقام یادگیری به کار می‌روند ناتوان است.

نظریهٔ رفتاری معنا (تفسیر پیچیده): این نظریه بر پاسخ‌های شنونده متمرکز است نه شرایط بیان گوینده. در نقد این نظریه، واژگان پرشمار و واکنش واحد و جوه اختلافی در معنا دارند.

نظریهٔ ویتگنشتاین^۱ متقدم (نظریهٔ تصویری معنا): زبان یا کلام ابزاری برای ارائهٔ تصویری از واقعیت امور است. در نقد این نظریه، احکام اخلاقی و زیبایی‌شناسانه، که دربارهٔ امور واقع نیستند، تبیین نمی‌شوند و جزء زبان به معنای خاص نیستند.

نظریهٔ ویتگنشتاین متأخر (نظریهٔ کاربردی معنا): خود زبان را به تصویر و ابزار تشبیه می‌کند. ماهیت ابزار چنان است که برای کارهای گوناگون قابل استفاده است. در نقد این نظریه، توجه به کاربرد لفظ و کاری که متکلم در کاربرد انجام می‌دهد برای طرح نظریهٔ کامل در باب معناداری بسنده نیست.

1. Wittgenstein

نظریه دیدگاه کنش گفتاری جان آستین^۱ درباره معنا: جست‌وجوی معنا ضمن کاربرد آن. در نقد این نظریه، باید به این پرسش پاسخ داد که چگونه این نظریه می‌تواند تفاوت میان معنای هزار جمله را توجیه کند با اینکه همه کاری واحد انجام می‌دهند (ساجدی، ۱۳۹۰: ۸۵-۱۱۳).

مدل‌های ذهنی و رویکردهای مدل ذهنی

به گفته یانگ^۲ (۲۰۰۸)، مدل ذهنی یا نظریه مدل‌های ذهنی را اولین بار سال ۱۹۴۳ کریک^۳ مطرح کرد. به باور او، افراد در ذهن خود مدلی در ابعاد کوچک از کارکرد دنیای پیرامون ایجاد می‌کنند (رجبعلی بگلو و همکاران، ۱۳۹۴: ۲-۴). پس از کریک، محققان دیگر مفهوم مدل‌های ذهنی را در مباحث روان‌شناسی با عبارات و اصطلاحات متفاوت اما با مفاهیم معنایی نزدیک آوردند که از جمله آن اصطلاحات می‌توان به تصویر ذهنی^۴ (پوکاک^۵، ۱۹۷۳)، باز نمودهای شناختی^۶ (داونز و استا^۷، ۱۹۷۳)، نگاشت‌های علی^۸ (بوگون، ویک و بینکتورست^۹، ۱۹۷۷)، سیستم‌های ارزش / نماد^{۱۰} (سمیریک و ستوبرت^{۱۱}، ۱۹۸۵)، طرح‌واره شناختی^{۱۲} (ایرلند، هیت، بتیس و دو پرس^{۱۳}، ۱۹۸۷)، و مسیرهای شناختی^{۱۴} (ستومپف^{۱۵}، ۱۹۸۹) اشاره کرد و آن‌ها را می‌توان معادل مفهوم مدل‌های ذهنی در نظر گرفت (حق‌شناس گرگابی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۶-۱۱۹). به باور پین^{۱۶} (۲۰۰۵)، بررسی مدل‌های ذهنی می‌تواند به شناخت فرایند تأثیرگذار بر مدل ذهنی و بررسی شیوه‌های استدلالی و شبیه‌سازی ذهنی افراد هنگام استفاده از یک نظام منجر شود (جعفری و قوچانی، ۱۳۸۷: ۱۰).

رویکردهای مدل‌های ذهنی می‌توانند بخشی از تفکر باشند، فرایندهای تفکر فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و توانایی او در پیش‌بینی وقایع هستند و به توصیف، توضیح و پیش‌بینی هدف، شکل، عملکرد و وضعیت یک سیستم می‌پردازند. فرض‌های ذهنی

- | | |
|------------------------------|--|
| 1. John Austin | 9. Bougon, Weick & Binkhorst |
| 2. Young | 10. Valu /Symbol Systems |
| 3. Creek | 11. Smirich & Stubbart |
| 4. Mental Image | 12. Cognitive Schemas |
| 5. Pocock | 13. Ireland, Hitt, Bettis, & De Porras |
| 6. Cognitive Representations | 14. Cognitive Trails |
| 7. Downs & Stea | 15. Stumpf |
| 8. Cause Maps | 16. Payne |

بر روی نوع تفسیر افراد از جهان و اقدامات متقابل آنان تأثیر می‌گذارند و نقش مهمی در ساخت و تفسیر واقعیت‌ها دارند. تجارب فرد در طول زمان شکل می‌گیرند و به شکل جهش‌های انتزاعی کنش‌های اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. محسوسات فرد و سازوکار پردازش اطلاعات برای درک و پیش‌بینی رفتار جهان اطراف استفاده می‌شوند (حق شناس گرگابی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۶-۱۱۹).

عناصر، اشکال و مسائل چهارگانه ارتباطات

ارتباط عبارت است از فرایند انتقال پیام و برقراری تفاهم بین دو نفر یا بیشتر مشروط بر آنکه معنای مورد نظر فرستنده پیام را گیرنده نیز دریافت کند (صائمیان، ۱۳۷۶: ۷۶). در هر نوع ارتباطی دست‌کم به سه عنصر اساسی نیاز است: منبع (فرستنده پیام)، مقصد (گیرنده پیام) و خود پیام (مختاری و آزاد، ۱۳۸۷: ۲). داک و مک ماهان^۱ (۲۰۱۶) ارتباط را این‌گونه مطرح می‌کنند: ارتباطات به مثابه کنش؛ ارتباطات به منزله کنش متقابل؛ و ارتباطات به مثابه تراکنش (محسنیان راد، ۱۳۹۴: ۳۶).
عناصر ارتباطات عبارت‌اند از:

منبع: منبع عبارت است از تفکرات، نیازها، عقاید، اطلاعات و حقایقی که شخص تصمیم دارد به فرد یا افراد دیگری منتقل کند. **رمزگذار:** به رمز درآوردن یا به علایم تبدیل کردن (کدگذاری) یا مجموعه نمادهاست. **پیام:** پیام ممکن است به شکل‌های مختلف ارسال شود. **مجرا یا کانال:** مجرا یا کانال مهم‌ترین رکن ارتباط است؛ زیرا، منبع پیام را به گیرنده پیام وصل می‌کند. **رمزخوان:** در این مرحله دریافت‌کننده پیام کدبرداری یا کشف رمز می‌کند و پیام را تفسیر و تعبیر می‌کند. این مرحله از حساس‌ترین مراحل ارتباطی است. **گیرنده:** آخرین مرحله بازخورد است که طی آن گیرنده، با پاسخ یا واکنش خود، منبع پیام را مطلع می‌کند (صائمیان، ۱۳۷۶).

اشکال ارتباطات عبارت‌اند از:

جریان: گاهی ارتباط یک‌طرفه است که می‌توان آن را «جریان» نامید. **فراگرد:** ارتباط در بیشتر مواقع ماهیت «فراگرد» دارد؛ یعنی دو طرفه و به مثابه کنش متقابل است. **تراکنش:** وقتی کنش متقابل بین دو نفر به چیزی بیش از تبادل پیام‌های لفظی منجر شود و آن دو به این درک مشترک برسند که یکدیگر را می‌فهمند / دوست دارند / می‌شناسند یا به هم نیاز دارند، ارتباط ماهیت تراکنشی به خود می‌گیرد. ارتباط در حالت فراگرد و بیش از آن در حالت تراکنش، اگرچه آغاز و پایان ندارد، اما تجلی آغازین

1. Duck & McMahan

معنی در ارتباط‌گر هم می‌تواند ناشی از تفوق عینیت بر ذهنیت و هم ذهنیت بر عینیت باشد (محسنیان راد، ۱۳۶۹).

در همین مسیر، این بحث مطرح شد که ارتباط پدیده‌ای چهارمسئله‌ای است؛ اولین مسئله در حوزه «سطح توانایی ارتباطی» و در منطقه «وسیله نشانه‌گذاری» شکل می‌گیرد و آن هنگامی است که از آمیختگی هریک از سه نوع نشانه‌های «قراردادی گفتنی/نوشتنی»، نشانه‌های «قراردادی نشان‌دانی» و نشانه‌های «غیرقراردادی نشان‌دانی» با نحوه ارائه محتوایی تولید می‌شود. مسئله دوم، که پیام به کمک وسیله ارسال نشانه با عبور از کانال به ارتباط‌گیر می‌رسد و از طریق وسیله دریافت نشانه و پس از آن به کمک وسیله نشانه‌خوانی با عبور از سطح توانایی به فرایند صید مفهوم از محتوا منتهی می‌شود. مسئله سوم، مفهوم صیدشده ارتباط‌گیر پس از عبور از سطح توانایی به تجلی معنی در منبع معنی منتهی می‌شود. مسئله چهارم، مفاهیم صیدشده از محتوا مشابه با محتوا باشند و در انتها، به مشابهت معنی متجلی شده با معنی مورد نظر فرستنده منجر شوند (محسنیان راد، ۱۳۹۴: ۴۱-۴۲).

نظام و اجزای نظام

دروانی^۱ سیستم را از سه دیدگاه وظیفه‌ای (کارکردی)، فرایندی (سازوکاری) و ساختاری (عنصری) تعریف کرد (Morin, 1992).

الف) مفهوم وظیفه‌ای (کارکردی): سیستم مجموعه منظمی از عناصر به هم وابسته است که برای رسیدن به اهدافی مشترک با هم در تعامل هستند.

ب) مفهوم فرایندی (سازوکاری): سیستم مجموعه‌ای از ورودی‌ها (درون‌داده‌ها) را دریافت کرده، پردازش‌هایی بر روی آن انجام می‌دهد و در نهایت مجموعه‌ای از خروجی‌ها (برون‌داده‌ها) را تولید می‌کند و از سازوکار بازخورد برای تنظیم عملکرد خود استفاده می‌کند.

ج) مفهوم ساختاری (عنصری): سیستم‌ها حاوی اجزائی هستند که به صورت هرمی در نظر گرفته شده‌اند. در رأس این هرم انسان قرار دارد که مهم‌ترین رکن این هرم است و اگر این جزء عملکرد مناسبی نداشته باشد هزینه‌ها و انرژی‌های صرف شده تلف خواهند شد (رجبیان، ۱۳۹۸). هر نظام از اجزایی تشکیل شده است و هر جزء نقش خاصی را به منظور تحقق هدف سیستم ایفا می‌کند.

درون‌داد: درون‌داده‌ها یا داده‌ها عبارت‌اند از تمام آنچه به نحوی وارد سیستم می‌شود

1. Derosnay

و تحرک و فعالیت سیستم را سبب می‌شود. **برون‌داد:** داده‌هایی که در فرایند تبدیل قرار می‌گیرند، طبق نظم و سازمانی که بر سیستم حاکم است، به صورت کالا یا خدمت از سیستم به محیط صادر می‌شوند. **تبدیل:** درون‌دادی که به سیستم وارد می‌شود و طبق برنامه سیستم در جریان تغییر و تبدیل قرار می‌گیرد؛ در واقع، کار در سیستم انجام می‌شود و در نتیجه، در داده‌ها تغییر به وجود می‌آید. **بازخورد:** بازخورد فرایندی دورانی است که در آن قسمتی از ستاده به‌عنوان اطلاعات به درون داد پس خوانده می‌شود و به این ترتیب سیستم را خودکنترل می‌کند. **کنترل:** بخش کنترل با استفاده از حلقه بازخورد همواره اطلاعات را از بخش خروجی جمع‌آوری می‌کند و آن را با استانداردهای تعیین شده تطابق می‌دهد و اگر اصلاحاتی نیاز باشد، بر بخش ورودی اعمال می‌کند (رجیبان، ۱۳۹۸).

هر مؤسسه‌ای برای تداوم جریان کاری خود به دید سیستمی نیاز دارد که همه بخش‌های درون داد و برون داد و فرایند تبدیل را از طریق سازوکار کنترل و بازخورد زیر نظر دارد و نوعی یکپارچگی را در تصمیم‌گیری، که لازمه موفقیت مؤسسه است، به وجود می‌آورد. تمام این‌ها اجزای پذیرش تفکر سیستمی هستند (حاجی محمد علیها، ۱۳۸۶: ۴۱). از دیدگاه فلسفی، هر پدیده‌ای یک «سیستم» است و تفاوت پدیده‌ها در مرتبه سیستمی آن‌ها مشخص می‌شود. پرسش‌های بنیادی درباره مفاهیم سیستمی به این پرسش منجر می‌شود که «رابطه ذهن و اندیشه انسان با واقعیت چیست؟ برداشت‌ها و اندیشه‌های انسان بازتابی دقیق و اصیل از دنیای خارج‌اند؟». معنا، در این بستر، به صورت تاریخی (خطی) واقع نشده است؛ بلکه، پویا و غیرخطی و بدون ذکر منشأ قرار گرفته است (نشاط، ۱۳۸۴: ۱۸۵). لوسی^۱ (۱۹۹۱) معتقد است که سیستم مجموعه‌ای است از عناصر به هم مرتبط که برای نیل به هدفی مشترک با هم در تعامل هستند (رهنورد و حاجی محمد علیها، ۱۳۸۵: ۶).

ارزش‌یابی نظام

به باور یوسف، پایازافیروپولو، پل و استرجیولاس^۲ (۲۰۰۸)، مسائل اساسی در ارزش‌یابی شامل چرایی (دلایل و مقاصد ارزش‌یابی)، چه کسی (ذی نفعان و دیدگاه‌های آنان)، چه چیزی (جوانب انسانی، فنی و سازمانی)، زمان ارزش‌یابی (متمرکز بر چرخه حیات نظام‌های اطلاعاتی) و چگونگی ارزش‌یابی (روش‌های ارزش‌یابی) می‌شوند (تقوی و همکاران، ۱۳۸۹).

1. Luecy

2. Joseph, Papazafeiropoulou, Paul & Stergioulas

از نظر ویلسون^۱ (۱۹۹۳)، در ارزش‌یابی هر سیستم می‌توان بر سه محور اساسی تأکید کرد که دربرگیرنده عملکرد کل سیستم باشند. این سه محور عبارت‌اند از: درون‌داد، فرایند و برون‌داد (رهنورد و حاجی محمد علیها، ۱۳۸۵: ۶). لینچ، آکیج، شافر و گری^۲ (۲۰۰۶) معیارهای ارزش‌یابی را تعیین کرده‌اند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

ارزش‌یابی اقتصادی: چهار روش برای ارزش‌یابی اقتصادی وجود دارد که عبارت‌اند از: تحلیل کمینه‌سازی هزینه، تحلیل اثربخشی هزینه، تحلیل هزینه-کارایی، و تحلیل هزینه-فایده. به باور لوکاس^۳ (۱۹۷۸)، ارزش‌یابی میزان استفاده از نظام درجه اطمینان کاربران را در خصوص اثربخشی نظام اطلاعاتی منعکس می‌کند. تحقیقات گذشته این معیار را با استفاده از سنجه‌هایی مثل طول و تداوم ارتباط با نظام، تعداد کارهای انجام‌شده با استفاده از نظام، تعداد مشتریان، تعداد وظایفی که کاربران با نظام انجام داده‌اند، و سطح مهارت ارزش‌یابی کرده‌اند.

به اعتقاد اگلیدیس و چاتزاوگلو^۴ (۲۰۰۸)، ارزش‌یابی رضایت کاربر نهایی می‌تواند به‌عنوان نگرش عاطفی و ارزش‌یابی شناختی از سطح مطلوبیت استفاده در زمان کاربرد تعبیر شود. فریدمن و ویت (۲۰۰۵) یکی از شناخته‌شده‌ترین طبقه‌بندی‌ها را از رویکردهای ارزش‌یابی ارائه داده‌اند. آن‌ها رویکردهای ارزش‌یابی را به دو گونه کلی ارزش‌یابی ذهنی (تفسیری) و ارزش‌یابی عینی (مکانیکی) تقسیم‌بندی می‌کنند. نظر متخصصان و تا حدی رویکرد واکنشی جزء رویکردهای تفسیری هستند که در آن‌ها بر روش‌های غیررسمی، ذهنی، انعطاف‌پذیر، کل‌گرا و کیفی تأکید می‌شود و کاربران نقش اصلی را در ارزش‌یابی ایفا می‌کنند (تقوی و همکاران، ۱۳۸۹).

مراحل چرخه زیست نظام

مراحل چرخه زیست نظام عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی (کشف فرصت‌های موجود به منظور پشتیبانی و تغذیه برنامه‌های کلی و قرارگرفتن در موقعیتی برتر در محیطی پراز رقابت)؛ تجزیه و تحلیل (شناخت بیشتر و درک روشن‌تری از نحوه عملکرد نظام‌های موجود و جست‌وجو برای ساخت آینده)؛ تعیین چارچوب مفهومی و طراحی کلی نظام (ارزش‌گذاری

1. Wilson
2. Lynch, Akidge, Schaffer & Gray
3. Lucas
4. Aggelidis & Chatzoglou

طرح‌ها از نظر شاخص طراحی با در نظر گرفتن نکات مثبت و منفی و انتخاب یکی از آنان برای طراحی تفصیلی؛ ارزیابی و انتخاب (هدف ارزش‌های ارزیابی و گزینش، استقرار نظام‌های مؤثر و کارا به منظور سهولت فهم و کاربرد، و پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران)؛ تعیین چارچوب وظیفه‌ای یا طراحی تفصیلی (هدف نهایی در این مرحله فراهم‌سازی نظام با اطلاعات دقیق، درست، معتبر و قابل درک برای کاربران است به گونه‌ای که شکل خروجی باید با چگونگی شناخت، مدل فکری و نظام‌های کاربران هماهنگ باشد)؛ و اجرای نظام (استقرار سیستم شامل تشخیص و تعیین کارها، برقراری رابط بین کارها، تهیه جدول زمان‌بندی شده، برنامه‌ریزی کار و زمان و هزینه، طراحی نظام کنترل و گزارش‌گیری که در بالاترین سطح کارایی و اثربخشی حفظ شود). مراحل چهارگانه اولیه، که مراحل آغازین چرخه زیست‌نظام‌ها هستند، با دخالت کاربران انجام می‌شوند. دو مرحله آخر بر عهده متخصصان است. هرچه دخالت کاربران در مراحل آغازین بیشتر باشد، به‌کارگیری نظام و حفظ و نگهداری آن ساده‌تر می‌شود (زاهدی، ۱۳۷۲).

روش پژوهش

تحلیل مبتنی بر قیاس، نظریه‌ها و ادبیات موجود در یک زمینه می‌تواند به پیش‌بینی متغیرها و روابط میان آن‌ها کمک کند. از این رو، می‌توان فرایند مطالعه را به شکلی ساخت‌یافته‌تر و با بهره‌گیری از این دیدگاه‌های پیشینی هدایت کرد. دیدگاه‌های موجود به ما کمک می‌کنند که به تعریف عملیاتی مفاهیم مورد نظر دست پیدا کنیم. این تعریف عملیاتی مقولات مورد نیاز پژوهش را فراهم می‌آورد. تعریف عملیاتی از صفات مستتر در هر متغیر تشکیل شده و این صفت‌ها باید جامع و مانع باشند (تبریزی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). گاه نظریه یا پژوهش‌های قبلی درباره یک پدیده مطرح‌اند که یا کامل نیستند یا به توصیف‌های بیشتری نیازمندند. در این حالت، پژوهشگر کیفی روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار را برمی‌گزیند. این روش را معمولاً بر اساس روش قیاسی متکی بر نظریه طبقه‌بندی می‌کنند که تمایز آن با دیگر روش‌ها بر اساس نقش نظریه در آن‌هاست. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر کردن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه یا خود نظریه است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰).

پژوهش پیش‌رو از نوع هدف بنیادی به روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه قیاسی (با رویکرد جهت‌دار) است. گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه اسناد کتابخانه و منابع دیگر در پایگاه‌های اطلاعاتی طی مراحل ذیل انجام شده است:

- در مرحله اول، نظریه‌های معنا، رویکردهای مدل‌های ذهنی، عناصر ارتباطات،

اشکال ارتباطات، مسائل چهارگانه ارتباطات، اجزای نظام، و ارزش‌یابی نظام به‌عنوان واحد تحلیل مشخص شدند.

- در مرحله دوم، متغیرها یا مفاهیم اصلی واحد تحلیل شناسایی شدند.
- در مرحله سوم، عباراتی در جنبه‌هایی از نظریه‌های معنا، رویکرد مدل‌های ذهنی، عناصر ارتباطات، اشکال ارتباطات، مسائل چهارگانه ارتباطات، اجزای نظام، و ارزش‌یابی نظام به‌عنوان واحد معنای متغیرها آمده‌اند.

- در مرحله چهارم، نظریه‌های معنا، رویکرد مدل‌های ذهنی، عناصر ارتباطات، اشکال ارتباطات، مسائل چهارگانه ارتباطات، اجزای نظام، و ارزش‌یابی نظام، به‌صورت هدفمند بر اساس مرتبط بودن به مسئله و هدف پژوهش و برای عمق‌بخشیدن به درک مفاهیم، به‌عنوان مقوله تعریف و توصیف شده‌اند.

- در مرحله پنجم، فرایند ارتباط بین منطقه محتوایی شامل نظریه‌های معنا، رویکرد مدل‌های ذهنی، عناصر ارتباطات، اشکال ارتباطات، مسائل چهارگانه ارتباطات، اجزای نظام، و ارزش‌یابی نظام به شیوه قیاسی انجام شد.

- در مرحله ششم، تحلیل و نتایج به‌عنوان تم (مفاهیم) گزارش شده است.
روایی و پایایی پژوهش پیش‌رو بر مبنای قابلیت، اعتماد و اطمینان پژوهش‌های گذشته است.

یافته‌های پژوهش

در پاسخ به پرسش پژوهش «چرخه زیست نظام ارتباطات با رویکردهای مدل ذهنی بر اساس نظریه‌های معنا چگونه است؟»،

- ابتدا سه مرحله روش پژوهش (شامل واحد تحلیل، شناسایی متغیرها یا مفاهیم اصلی، واحد معنای متغیرها) و سپس، ارتباط بین واحد معنا به جهت عمق‌بخشیدن به درک مفاهیم به‌عنوان مقوله در منطقه محتوایی نظریه‌های معنا، رویکردهای مدل‌های ذهنی، عناصر ارتباطات، اشکال ارتباطات، مسائل چهارگانه ارتباطات، اجزای نظام، و ارزش‌یابی نظام با استفاده از مبانی نظری پژوهش آمده‌اند.

- بعد از انجام چهار مرحله در مناطق محتوایی مذکور، مرحله پنجم (شامل فرایند ارتباط بین مناطق محتوایی) و مرحله ششم (شامل تحلیل و نتایج یافته‌های مذکور به‌عنوان تم (مفاهیم)) به‌منظور چرخه زیست نظام ارتباطات با رویکردهای مدل ذهنی بر اساس نظریه‌های معنا انجام شدند.

جدول ۱. مراحل اول، دوم و سوم منطقه محتوایی نظریه‌های معنا، رویکردهای مدل‌های ذهنی، عناصر ارتباطات، اشکال ارتباطات، مسائل چهارگانه ارتباطات، اجزای نظام، و ارزش‌یابی نظام با دو رویکرد عینی و ذهنی

مرحله اول (واحد تحلیل)	مرحله دوم (شناسایی متغیرها)	مرحله سوم (واحد معنای متغیرها)
نظریه‌های معنا	مصدیقی یا مرجعی معنا (روایت اول)	معنا را همان مصداق می‌داند.
	مصدیقی یا مرجعی معنا (روایت دوم)	معنا رابطه بین لفظ و مصداق آن است.
	نظریه تصویری یا ایده‌ای معنا	کاربرد الفاظ باید نشانه‌های محسوس ایده‌ها باشد.
	نظریه رفتاری معنا (تفسیر ساده)	توجه در تحلیل معنا به واکنش مخاطب
	نظریه رفتاری معنا (تفسیر پیچیده)	بر پاسخ‌های شنونده متمرکز است نه شرایط بیان گوینده.
	ویتگنشتاین متقدم (نظریه تصویری معنا)	زبان یا کلام برای ارائه تصویری از واقعیت امراست.
	ویتگنشتاین متأخر (نظریه کاربردی معنا)	خود زبان را به تصویر و ابزار تشبیه می‌کند.
	دیدگاه کنش‌گفتاری جان آستین درباره معنا	جست‌وجوی معنا ضمن کاربرد آن
رویکردهای مدل‌های ذهنی	بخشی از تفکر	تأثیر بر فرایندهای تفکر فردی؛ توانایی در پیش‌بینی وقایع؛ توصیف، توضیح و پیش‌بینی هدف، شکل، عملکرد و وضعیت سیستم
	فرض‌های ذهنی	تأثیر بر نوع تفسیر افراد از جهان و اقدامات متقابل آنان؛ نقش مهم در ساخت و تفسیر واقعیت‌ها؛ مبهم و ناشناخته
	تجارب فرد	شکل‌گیری در طول زمان؛ تأثیر بر جهش‌های انتزاعی کنش‌های اجتماعی فرد
	محسوسات فرد و سازوکار پردازش اطلاعات	درک و پیش‌بینی رفتار جهان؛ پردازش اطلاعات با استفاده از مدل‌های ذهنی

چرخه زیست نظام ارتباطات با رویکردهای مدل ذهنی بر اساس نظریه‌های معنا

عناصر ارتباطات	منبع	مجموعه‌ای از تفکرها، نیازها، عقاید، اطلاعات و حقایق
	رمزگذار	تبدیل رمز به علائم یا نمادها
	پیام	ارسال پیام به شکل‌های مختلف
	مجرا یا کانال	اتصال منبع پیام به گیرنده پیام
	رمزخوان	کشف رمز، تفسیر و تعبیر از سوی دریافت‌کننده پیام
	گیرنده	بازخورد گیرنده با پاسخ یا واکنش نسبت به پیام
اشکال ارتباطات	جریان	ارتباط یک‌طرفه
	فراگرد	ارتباط دوطرفه و به مثابه کنش متقابل
	تراکنش	تبادل و درک مشترک پیام
مسائل چهارگانه ارتباطات	مسئله اول	محتوای پیام تولیدی ارتباط‌گر نماینده معنی موردنظر
	مسئله دوم	تشابه مفهوم صیدشده ارتباط‌گیر با محتوای پیام ارتباط‌گر
	مسئله سوم	معنی متجلی شده منبعث از مفهوم صیدشده
	مسئله چهارم	تشابه معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر با معنی ارتباط‌گر
اجزای نظام	درون داد	آنچه به نحوی وارد سیستم شده
	برون داد	داده‌های تبدیل شده به صورت کالا یا خدمت، و صدور از سیستم به محیط
	تبدیل	داده‌های تغییر یافته
	بازخورد	فرایندی دورانی از ستاده به درون داد
	کنترل	جمع‌آوری اطلاعات از بخش خروجی و اعمال آن بر بخش ورودی
ارزش‌یابی نظام	تعیین و بیان معیارها، جمع‌آوری اطلاعات معتبر، تعیین ارزش یافته‌ها	ارزش‌یابی اقتصادی، ارزش‌یابی میزان استفاده از نظام و کاربرد آن، ارزش‌یابی رضایتمندی

مرحله چهارم (مقوله)

هشت نظریه معنا با توجه به رویکردهای مدل‌های ذهنی در فرایند عناصر ارتباطات اثرگذار است. حقیقت و ماهیت اشکال ارتباطات تفوق عینیت بر ذهنیت و ذهنیت بر عینیت با انگیزه هدف خاص نشئت می‌گیرد و طبق سازوکار درون‌داد، برون‌داد، تبدیل، بازخورد و کنترل، ارزش‌یابی به صورت اقتصادی، میزان استفاده و رضایتمندی با دو رویکرد عینی و ذهنی انجام می‌شود. پیوند معانی در افراد بر اساس اصول مشابهت، مجاورت و تضاد در ذهن بر اساس مسائل چهارگانه ارتباطات صورت می‌پذیرد. این مجموعه به هم متصل نظام ارتباطات را شکل می‌دهد و با دخالت افراد و متخصصان، طی مراحل چرخه زیست نظام (اعم از برنامه‌ریزی، تجزیه و تحلیل، تعیین چارچوب مفهومی و طراحی کلی نظام، ارزیابی و انتخاب، تعیین چارچوب وظیفه‌ای و یا طراحی تفصیلی، اجرای نظام) به منظور نظم، حفظ و نگهداری انجام می‌شود و خروجی آن به گسترش مفهومی ۸ نظریه معنا و حیات چرخه زیست نظام ارتباطات منجر می‌شود.

مرحله پنجم: فرایند ارتباط بین مناطق محتوایی

- معنا در ذهن با رویکردهای آن اعم از تفکر، فرض‌های ذهنی، تجارب و محسوسات و نیز سازوکار پردازش اطلاعات خلق شده موجب پویایی در فرایند ارتباط شده، به طوری که معنا به مثابه منبع به علائم رمزی یا مجموعه‌ای از نمادها تبدیل می‌شود و پیام به شکل‌های مختلف از طریق مجرا یا کانال‌های ارتباطی ارسال می‌شود و سپس، دریافت‌کننده پیام را تفسیر و تعبیر می‌کند و نسبت به آن واکنش یا بازخورد نشان می‌دهد.

- مدل‌های ذهنی افراد در فرایند ارتباط قادر به فهم، تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها می‌شوند و پیام مدل‌های ذهنی را شکل می‌دهند و به صورت جریان، فراگرد، تراکنش بین ارتباط‌گر و ارتباط‌گیر جابه‌جا می‌شوند. سپس، با کسب تجربه و اطلاعات بیشتر اقدام به اصلاح و توسعه می‌کنند، به طوری که در ارتباطات تراکنشی، هیچ تفاوتی در نقش‌های فرستنده و گیرنده وجود ندارد.

- از آنجایی که منشأ و معنی هر فردی ارتباط و شناخت‌های گذشته اوست و پیوند معانی در افراد بر اساس اصول مشابهت و مجاورت و تضاد اتفاق می‌افتد، «مفاهیم صید شده» با «مفاهیم محتوا» و نیز «معنی متجلی شده» با «معنی مورد نظر فرستنده» مشابهت می‌یابند و جابه‌جایی پیام صورت خواهد گرفت.

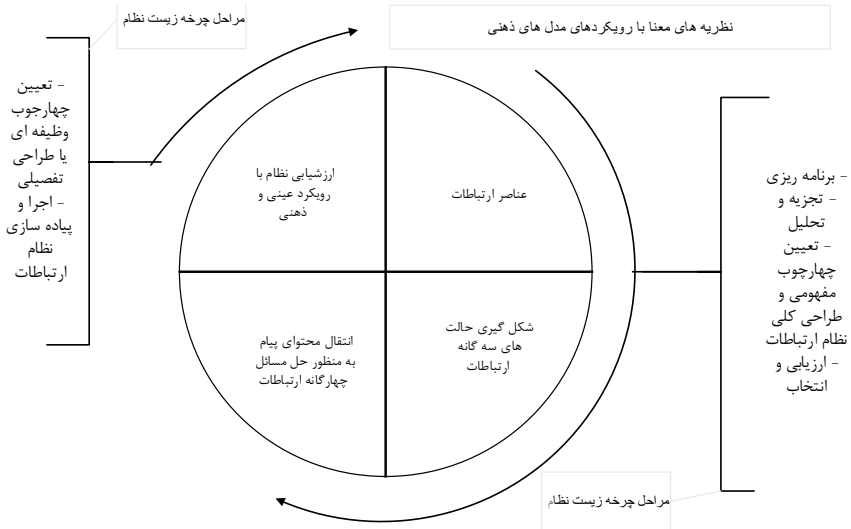
- به منظور پشتیبانی از تصمیمات در نظام ارتباطات، عناصر آن، اعم از تبدیل محتوا در درون‌داد به برون‌داد و بازخورد و نظارت و کنترل آن بر اساس معیارهای درستی و نادرستی

چرخه زیست نظام ارتباطات با رویکردهای مدل ذهنی بر اساس نظریه‌های معنا

مدل‌های ذهنی ایجادشده افراد با رویکردهای ذهنی، به دو صورت ذهنی و عینی ارزش‌یابی می‌شوند و بازخورد آن به حیات در چرخه زیست نظام ارتباطات منجر می‌شود.

مرحله ششم، تحلیل و نتایج مفاهیم: چرخه زیست نظام ارتباطات

چرخه زیست نظام ارتباطات از مراحل زیست نظام‌ها پیروی کرده و به صورت نظامی پویا و غیرخطی به شکل ذیل آمده است.



شکل شماره ۱ چرخه زیست نظام ارتباطات

شکل ۱ ارتباطات پدیده است و هر پدیده‌ای در نظامی به حیات خود ادامه می‌دهد و زیست نظام با معانی در ذهن افراد به مثابه بازنمود روان‌شناختی وضعیت واقعی، متصور و مفروض است. این فرایند در برنامه‌ریزی، تجزیه و تحلیل، تعیین چارچوب مفهومی و طراحی کلی نظام ارتباطات، و ارزیابی و انتخاب مؤثر خواهد بود. به عبارتی، در کشف فرصت‌های موجود و فهم موقعیت برتر در محیطی پراز رقابت، شناخت بیشتر و درک روشن‌تری از نحوه عملکرد نظام‌های موجود و جست‌وجو برای ساخت آینده، و ارزش‌گذاری نکات مثبت و منفی به منظور استقرار نظام‌های مؤثر و کارا برای سهولت فهم و کاربرد، و پاسخ‌گویی به نیازهای افراد که این مراحل چهارگانه مراحل آغازین چرخه زیست نظام ارتباطات هستند و با دخالت افراد انجام می‌شوند. سپس، متخصصان فرایندهایی شامل چارچوب وظیفه‌ای یا طراحی تفصیلی را با هدف فراهم‌سازی نظام با اطلاعات دقیق، درست، معتبر و قابل‌درک برای افراد،

با توجه به چگونگی شناخت و هماهنگی با مدل‌های ذهنی افراد، تعیین می‌کنند. پس از آن، استقرار نظام شامل تشخیص و تعیین کارها، برقراری رابط بین کارها، تهیه جدول زمان بندی شده، برنامه‌ریزی کار و زمان و هزینه، طراحی نظام کنترل و گزارش‌گیری است که در بالاترین سطح کارایی و اثربخشی اجرا می‌شود. و در نهایت، هرچه دخالت افراد در مراحل آغازین بیشتر باشد، به‌کارگیری نظام و حفظ و نگهداری چرخه زیست نظام ارتباطات ساده‌تر می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

حیات نظام ارتباطات وابسته به ذهن معنای ارتباطگر و ارتباطگیر با رویکردهای مدل‌های ذهنی اعم از فرضیه‌ها، محسوسات، تجربه و سازوکار پردازش اطلاعات است. منطق اصلی تمام این مدل‌ها این است که دو منبع معنی به صورت بالقوه با مسئله یا شکافی که باید پر شود مواجه هستند و آنان در صدد حل مسئله از طرق گوناگون برمی‌آیند که مدل‌های ذهنی را تشکیل می‌دهد.

حفظ و نگهداری نظام ارتباطات به میزان درک مدل‌های ذهنی ایجاد شده است. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که پیام‌ها در حالات جریان، فراگرد و تراکنش ارتباطات گوناگون و متنوع خواهند بود. کسب، پردازش، نگهداری و کاربست معانی ادراک شده گستره وسیعی از توانمندی‌هایی است که معیارهای ارزش‌یابی نظام ارتباطات را دربرمی‌گیرد و مراحل چرخه زیست نظام ارتباطات را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نظریه‌های معنا را بسط و گسترش می‌دهد. پیشنهاد می‌شود، با کمک بازنمون ادراکات ذهنی ارتباطگر و ارتباطگیر و انطباق آن با پیام‌ها، تحلیل گفتمان شکل‌گیرد و شبکه ارتباطی در چرخه زیست نظام ارتباطات ایجاد شود. از آنجایی که هر معنای خلق شده‌ای به فراخور مبانی فلسفی و بینشی دو منبع معنی که به جهان و هستی دارند هویت متفاوتی خواهند داشت، پیشنهاد می‌شود تبیین فلسفی دو منبع معنی بر اساس مبانی فلسفی و بینشی با تأکید بر معنی در ذهن مردم صورت گیرد و مقایسه تطبیقی انجام شود.

منابع و مأخذ

- اصغرزاده، مجید و نورعلی قائمی و ابوالقاسم حسن‌آبادی (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر بر فعال‌سازی مدل‌های ذهنی در تحلیل اطلاعات». *فصلنامه امنیت پژوهی*، شماره ۴۳: ۱۴۴-۱۳۰.
- ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی». *فصلنامه پژوهش*، شماره ۲: ۱۵-۴۴.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۱). «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی». *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۶۴: ۱۳۸-۱۰۵.
- تقوی، حسین و حمید رحیمیان و روح‌الله مهدیون (۱۳۸۹). «ارزش‌یابی نظام‌های اطلاعاتی: رویکردها، مدل‌ها و روش‌ها». *فصلنامه تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی*، شماره ۵۲: ۱۳۹-۱۱۳.
- جریحی، عبدالرحمان و محمدرضا نیلی و داریوش نوروزی و اسماعیل سعدی‌پور (۱۳۹۷). «تدوین و اعتباریابی الگوی طراحی آموزشی مبتنی بر نظریه مدل ذهنی». *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، شماره ۳۵: ۶۴-۴۱.
- جعفری، مصطفی و فرخ قوچانی (۱۳۸۷). «تبیین اثر مدل‌های ذهنی بر دیدمان‌پردازی مشترک در سازمان‌ها». *فصلنامه چشم‌انداز مدیریت*، شماره ۲۹: ۳۱۵۰.
- حاجی محمد علیها، رضا (۱۳۸۶). «بررسی اثربخشی سیستم‌های مدیریت اطلاعات». *فصلنامه مجله مدیریت*، شماره ۱۲۱: ۴۴-۳۸.
- حسینی، محمد (۱۳۹۴). *اصول و مبانی ارتباطات جمعی ویژه مدیران و کارکنان دولتی*. تهران: انتشارات آموزش و پرورش گیلان.
- حق‌شناس گرگابی، محمد و علی حیدری و محمدعلی شاه‌حسینی (۱۳۹۶). «شناسایی ابعاد مدل‌های ذهنی تصمیم‌گیران استراتژیک در نهادهای حاکمیتی (مورد مطالعه: نمایندگان مجلس شورای اسلامی)». *فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران*، شماره ۴۸: ۱۰۰-۸۶.
- دهقانی، لیلا و سمیرا سلیمان‌پور و عبدالحسین فرج‌پهلوی (۱۳۹۶). «واکاوی تحولات مفاهیم نوین اطلاعاتی و تأثیر آنها بر کتابداری و اطلاع‌رسانی با استفاده از نظریه سیستم‌های اجتماعی لومان». *فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، شماره ۲: ۲۸-۸.
- رجبعلی بگلو، رضا و رحمت‌الله فتاحی و مه‌ری پریخ (۱۳۹۴). «توسعه و تکامل مفهوم مدل ذهنی در بافت نظام‌های اطلاعاتی: از نگاهی عام تا پیش‌بینی عملکرد». *فصلنامه مجله مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، شماره ۱۶: ۱۸-۱.
- رجیبیان، بتول (۱۳۹۸). «سیستم‌های اطلاعاتی در نگاهی گذرا». بازیابی شده در:

<https://www.it.behdasht.gov.ir>

رهنورد، فرج‌الله و رضا حاجی محمد علیها (۱۳۸۵). «اثربخشی سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت: مطالعه موردی». فصلنامه مجله فرایند مدیریت و توسعه، شماره ۶۵: ۱۲-۴. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۷۲). «ایجاد و گسترش نظام‌های اطلاعاتی مدیریت». فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول، شماره ۳: ۹۵-۷۵.

ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۰). «هستی‌شناسی معنا». فصلنامه معرفت فلسفی، شماره ۹: ۱۱۳-۸۵. سولسو، رابرت آل (۱۳۷۱). روان‌شناسی شناخت. ترجمه فرهاد ماهر. تهران: انتشارات رشد. صائمیان، صدیقه (۱۳۷۶). «ارتباط انسانی». فصلنامه آسیا، شماره ۵: ۴-۱. فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۸۲). «تحلیلی بر ارزش افزوده اطلاعات و نظام‌های اطلاعاتی». فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۲: ۲۱-۱.

فیاضی، غلامرضا و هادی ملک‌زاده و محمدجواد پاشایی (۱۳۹۲). «چیستی معنا». فصلنامه آیین حکمت، شماره ۱۶: ۱۶۰-۱۲۵.

محسنیان راد، مهدی (۱۳۹۴). «بازسازی مدل ارتباطی منبع معنی». فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۹: ۱-۴۷.

محسنیان راد، مهدی (۱۳۶۹). ارتباط‌شناسی. تهران: سروش.

محسنیان راد، مهدی (۱۳۹۴). «بازسازی مدل ارتباطی منبع معنی». فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۹: ۴۷-۱.

مختاری، حیدر و اسدالله آزاد (۱۳۸۷). «تعیین و تبیین عناصر و ساختار ارتباط در نظام کتابخانه و پیشنهاد مدل ارتباطی برای آن». فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۱۱: ۲۷۸-۲۵۹.

مقدسی، علیرضا (۱۳۸۶). سیستم‌های اطلاعات مدیریت. مشهد: نشر نما.

نشاط، نرگس (۱۳۸۴). «رویکردی انتقادی به پژوهش در نظام‌های اطلاعاتی». فصلنامه اطلاع‌شناسی، شماره ۳: ۱۹۸-۱۸۱.

واعظی، احمد (۱۳۸۸). «بازتاب هستی‌شناسی معنا در معرفت دینی». فصلنامه آیین حکمت، شماره ۲: ۱-۱۱.

همدانی، مصطفی (۱۳۹۶). «نقد سازه معناشناختی مدل ارتباطی منبع معنا از منظر حکمت متعالیه». دوفصلنامه حکمت صدرایی، شماره ۱: ۱۲۰-۱۰۹.

Aggelidis, V. P. & Chatzoglou, P. D. (2008). 'Methods for evaluating hospital information systems: a literature review'. *EuroMed Journal of Business*.

Bougon, M. Weick, K. & Binkhorst, D. (1977). 'Cognition in organizations: An analysis of the Utrecht Jazz Orchestra'. *Administrative Science Quarterly*, 606-639.

Downs, R. M. & Stea, D. (Eds.) (1973). *Image and environment: Cognitive mapping and*

spatial behavior. Transaction Publishers.

Duck, S., & McMahan, D. T. (2016). **Communication in everyday life: The basic course edition with public speaking**. SAGE Publications.

Floyd, K. (2011). **Interpersonal communication**. New York, NY: McGraw-Hill.

Friedman, C. P., & Wyatt, J. (2005). **Evaluation methods in biomedical informatics**. Springer Science & Business Media.

Froemling, K. K., Grice, G. L., & Skinner, J. F. (2010). **Communication: the handbook**. Pearson College Division.

Ireland, R. D., Hitt, M. A., Bettis, R. A., & De Porras, D. A. (1987). 'Strategy formulation processes: Differences in perceptions of strength and weaknesses indicators and environmental uncertainty by managerial level'. **Strategic Management Journal**, 8(5), 469-485.

Lucas, Jr, R. E. (1978). 'On the size distribution of business firms'. **The Bell Journal of Economics**, 508-523.

Lynch, K., Akridge, J. T., Schaffer, S. P., & Gray, A. W. (2006). 'A framework for evaluating return on investment in management development programs'. **International Food and Agribusiness Management Review**, 9, 54-74.

Morin, E. (1992). 'From the concept of system to the paradigm of complexity'. **Journal of social and evolutionary systems**, 15(4), 371-385.

O'Brien, J. & Marakas, G. A. (2007). **Introduction to information system**. New York. McGraw-Hill.

Payne, S. J. (2005). **Mental models in Human-Computer Interaction**. In **Human-Computer Interaction handbook: fundamentals, evolving technologies, and emerging applications**. Edited by A. Sears & J. A. Jacko. New York: Taylor & Francis.

Pocock, D. C. D. (1973). 'Environmental Perception Process and Product'. **Tijdschrift voor economische en sociale geografie**, 64(4), 251-752.

Smircich, L. & Stubbart, C. (1985). 'Strategic management in an enacted world'. **Academy of management Review**, 10(4), 724-736.

Spicer, D. P. (1998). 'Linking mental models and cognitive maps as an aid to organisational learning'. **Career Development International**, 3(3), 125-132.

- Stumpf, S. A. (1989). 'Work Experiences that Stretch Managers' Capacities for Strategic Thinking'. **Journal of Management Development**.
- Trenholm, S. (2017). **Thinking through communication: An introduction to the study of human communication**. Routledge.
- Tsoukas, H. (2017). 'Don't simplify, complexify: From disjunctive to conjunctive theorizing in organization and management studies'. **Journal of management studies**, 54(2), 132-153.
- Weick, K. E. & Huff, A. S. (1990). **Mapping strategic thought. Introduction: Cartographic Myths in Organizations**. Chichester: John Wiley.
- Wilson, D. D. (1993). 'Assessing the impact of information technology on organizational performance'. In **Strategic Information Technology Management** (pp. 471-514). IGI Global.
- Young, I. (2008). **Mental models: aligning design strategy with human behavior**. New York: Rosenfeld Media.